

ارزیابی وضعیت اقتصادی جامعه آمریکا (بخش اول)

دکتر حسن عباسی متقیان

مدیر اندیشکده مطالعات اقتصادی
مرکز مطالعات آمریکا



قدرت اقتصادی به عنوان یکی از مؤلفه‌های قدرت برای حاکمیت و جامعه، علاوه بر استحکام بخشی داخلی، در عرصه بین‌المللی نیز موجب اقتدار و توان اثرگذاری است. شاید بتوان مقدم بر توان نظامی و سیاسی، قدرت اقتصادی ایالات متحده آمریکا را به عنوان اصلی‌ترین مؤلفه قدرت این کشور در ایجاد نظم هژمونیک در سطح بین‌المللی دانست. این در حالی است که مشاهده واقعیت‌هایی مانند فقر گسترده، شکاف طبقاتی و نابرابری درآمدی و... تردیدهایی را در بنیان قدرت اقتصادی این کشور ایجاد می‌کند. در سلسله یادداشت‌های پیش‌رو، وضعیت اقتصادی جامعه آمریکا را بر اساس شاخص‌های متعدد اقتصادی بررسی خواهیم نمود. در یادداشت اول، دسته‌بندی از شاخص‌های اقتصادی ارائه خواهیم نمود تا بررسی جامع و دقیقی از اقتصاد این کشور داشته باشیم و در یادداشت‌های بعد، با رجوع به جوامع آماری، وضعیت ایالات متحده را در هر یک از شاخص‌های بیان شده، بررسی خواهیم نمود.

حدود یک صد سال است که اقتصاد ایالات متحده، بالاترین سهم از حجم تولید ناخالص جهانی را به خود اختصاص داده است و خود را به عنوان قدرتمندترین اقتصاد جهانی معرفی کرده است. اگرچه در سال‌های اخیر، با رشد اقتصادی کورهایمانند چین و هند، اقتصاد ایالات متحده، جایگاه دست نیافتنی خود را از دست داده است اما همچنان الگوی اقتصادی آمریکا (لیبرال سرمایه‌داری)، اصلی‌ترین الگوی پذیرفته شده جهانی برای پیمودن مسیر رشد و پیشرفت اقتصادی کشورها و دستیابی ملت‌ها به رفاه اقتصادی است. هرچند در حال حاضر گزاره «اقتصاد آمریکا، قدرتمندترین اقتصاد جهان است»، گزاره‌ای غیر قابل خدشه و پذیرفته شده برای عموم مردم و حتی خبرگان دانش اقتصاد متعارف در دنیا است اما اصل منطقی و پذیرفته شده، «ضرورت وجود شاخص و سنججه برای انجام مقایسه» نیز زمینه و امکان بازبینی گزاره بالا را فراهم می‌نماید. بدین صورت که اعتبارسنجی صدق و کذب گزاره بالا، نیازمند بیان شاخص‌هایی است که ایالات متحده در مقایسه با سایر اقتصادها، در آن شاخص‌ها رتبه برتر را دارد و البته شرط سنجش و ارزیابی جامع وضعیت اقتصادی ایالات متحده نیز سنجش شاخص‌های متنوع اقتصادی در سطوح خرد و کلان است.

در این یادداشت پس از ارائه دسته‌بندی جدید از شاخص‌های سنجش وضعیت اقتصادی، به طور اجمالی به بررسی وضعیت اقتصادی ایالات متحده آمریکا بر اساس این شاخص‌ها پرداخته ایم و نشان خواهیم داد که برخلاف اینکه اقتصاد آمریکا به لحاظ شاخص‌های کلان و محاسباتی، جایگاه بسیار ممتازی را در میان سایر کشورها دارا است ولی

در عمده شاخص‌های معیشتی، وضعیت مطلوبی ندارد و با توجه به اینکه شاخص‌های معیشتی بیانگر عینیات و واقعیات اقتصاد هستند، در مجموع، توصیف قدرتمندترین اقتصاد جهان برای ایالات متحده آمریکا خدشه‌پذیر است و این واقعیت، در ادراکات مردم آمریکا، از وضعیت اقتصادی جامعه آمریکایی و عدم رضایتمندی آن‌ها نیز مشهود است. شاخص‌های سنجش وضعیت اقتصادی شاخص‌های سنجش اقتصادی بسیار متنوع و متعدد است ولی می‌توان شاخص‌ها را در سه دسته کلی بیان نمود؛

برای تبیین بیشتر مبنای این دسته‌بندی، اگر سنجش وضعیت اقتصادی یک کشور را به سنجش وضعیت سلامتی یک انسان تشبیه کنیم، شاخص‌های محاسباتی، مشابه فاکتورهای بیان شده در نمونه آزمایش یک فرد است. شاخص‌های معیشتی (عینیات) مشابه وضعیت بالینی و حال عمومی او است؛ به این معنا که فارغ از نتایج فاکتورهای آزمایشگاهی، حال جسمانی فرد در چه وضعیتی است و شاخص‌های ادراکاتی (ذهنیات)، تلقی روانی او نسبت به وضعیت سلامتی خود است.

در صورتی که فاکتورهای تعیین شده در آزمایش، مبنای صحیحی داشته باشند، باید میان وضعیت بالینی و حال عمومی او و نتایج آزمایش، همخوانی وجود داشته باشد اما در صورتی که این شاخص‌ها تناسبی با وضعیت سلامت بالینی فرد نداشته باشد، نشان‌دهنده این است که یا در سنجش (آزمایش) خطایی وجود دارد یا اساساً این شاخص‌ها (فاکتورهای آزمایش) نماگرهای خوبی برای تعیین وضعیت سلامت افراد نیستند.

این اختلاف در اقتصاد ایالات متحده آمریکا که در بالاترین سطح پیشرفت اقتصادی به لحاظ شاخص های محاسباتی است، در مسائلی مانند وضعیت فقر عمومی و اختلاف طبقاتی و تبعیض اقتصادی، به خوبی قابل مشاهده است. همان طور که بیان شد، شاخص های ارزیابی اقتصادی را در سه دسته کلی می توان طبقه بندی نمود:

الف) شاخص های کلان (شاخص های محاسباتی)

شاخص هایی همچون تولید ناخالص داخلی، تولید ناخالص داخلی سرانه و برابری قدرت خرید، رشد اقتصادی، حجم صادرات و تراز تجاری، نرخ تورم عمومی، میزان سرمایه گذاری خارجی، نرخ بیکاری، بودجه عمومی و بدهی ملی و... از مهم ترین و رایج ترین شاخص ها برای سنجش وضعیت اقتصادی یک کشور است.

همچنین در برخی موارد پزشکان اعلام می کنند که نتایج آزمایش و حال بالینی و عمومی فرد هیچ مشکلی ندارد اما فرد به لحاظ روانی خود را بیمار فرض می کند و بنابراین مشکلات جسمی او منشأ روانی دارد. این حالت، مشابه حالتی است که اگرچه شاخص های محاسباتی و معیشتی در یک اقتصاد، وضعیت مطلوبی دارد اما شاخص های ادراکاتی نشان می دهد مردم نسبت به وضعیت اقتصادی، رضایتمندی ندارند و ذهنیت منفی نسبت به سطح معیشت خود دارند. در بخش بررسی و جمع بندی این سلسله یادداشت ها، بر اساس دلیل ها، بیان خواهیم کرد که اساساً شاخص های محاسباتی در اقتصاد متعارف برای سنجش وضعیت معیشت عمومی جامعه طراحی نشده است و بنابراین اختلاف جدی بین وضعیت اقتصادی یک کشور در شاخص های محاسباتی و وضعیت آن کشور به لحاظ شاخص های معیشتی است.



عمومی در شرایط بحران‌های طبیعی و اقتصادی و... از جمله این شاخص‌ها هستند. این شاخص‌ها علاوه بر اینکه به خوبی نشان‌دهنده عینیات اقتصادی یک جامعه و وضعیت معیشت عمومی آن هستند، بیشتر با دقت بالا قابل سنجش و اندازه‌گیری هستند اما در دانش اقتصاد متعارف اگرچه سنجش و اندازه‌گیری می‌شوند ولی به عنوان معیار برتری اقتصادی کشورها مطرح نشده‌اند.

ج) شاخص رضایتمندی اقتصادی (ادراکات) یکی از موضوعات اصلی در سنجش وضعیت اقتصادی یک جامعه، میزان رضایتمندی مردم از وضعیت اقتصادی خود است. این شاخص بیان می‌دارد که علاوه بر سنجش وضعیت واقعی و عینیات اقتصادی یک جامعه، ادراک مردم از وضعیت اقتصادی خود و میزان رضایتمندی آنان در چه سطحی است که بر اساس نظرسنجی سنجیده می‌شود. میزان رضایتمندی اقتصادی بر اساس سه مؤلفه اصلی شکل می‌گیرد؛ الف) واقعیات و عینیات اقتصاد جامعه؛ ب) مقایسه با سایر افراد جامعه (میزان برابری اقتصادی)؛ ج) ذهنیت‌سازی‌های رسانه‌ای.

ارزیابی دقیق از وضعیت اقتصادی جامعه آمریکایی و تبیین قدرت اقتصادی ایالات متحده آمریکا، با ارائه آماری، واقعیات اقتصادی آمریکا در هر سه گروه از شاخص‌های محاسباتی، معیشتی و رضایتمندی اقتصادی محقق می‌گردد و بعد از بررسی جامع این شاخص‌ها است که می‌توان گزاره آمریکا به عنوان قدرتمندترین اقتصاد جهانی را اعتبارسنجی نمود. در یادداشت بعدی، بر اساس آمارهای ارائه شده در مراجع آماری داخلی و بین‌المللی، اقتصاد آمریکا را از دیدگاه شاخص‌های سه‌گانه بالا بررسی خواهیم نمود.

نکته ای که باید بیان شود، این است که وجود وضعیت مطلوب در این شاخص‌ها، لزوماً به معنای وضعیت مطلوب اقتصادی و معیشتی عموم اقشار جامعه و سطح رفاه بالای مردم نیست؛ یعنی ممکن است کشوری در عین اینکه در مجموع امتیاز بالایی بر اساس شاخص‌های اقتصادی دارد اما سطح رفاه عمومی مردم، وضعیت مطلوبی نداشته باشد.

در جریان دانش اقتصاد متعارف اگرچه افرادی به این موضوع توجه نموده‌اند و شاخص‌های تعدیلی مانند تولید ناخالص داخلی سرانه، تولید ناخالص داخلی برابری قدرت خرید، شاخص توسعه انسانی، ضریب جینی و... را برای توجه به سطح کیفی زندگی مردم و عدالت اجتماعی طراحی کرده‌اند اما در ابتدا این شاخص‌ها نیز نماگرهای کاملی نبودند و دوم اینکه همچنان شاخص تولید ناخالص داخلی است که به عنوان اصلی‌ترین شاخص برای مقایسه قدرت اقتصادی کشورها مورد عمل قرار گرفته است و سایر شاخص‌ها چندان مورد توجه و عنایت خبرگان اقتصادی نیست.

ب) شاخص‌های معیشتی (عینیات)

شاخص‌هایی که نشان‌دهنده وضعیت اقتصادی فرد و خانوار هستند، در دسته شاخص‌های معیشتی یا عینیات اقتصادی جامعه جای می‌گیرند. شاخص‌های مانند متوسط درآمد خانوار، توزیع درآمد (نابرابری درآمدی)، درصد جمعیت زیر خط فقر، دسترسی به زیرساخت‌ها و امکانات اقتصادی مانند آب سالم، برق، جاده، آموزش و بهداشت، هزینه‌های اقتصادی خانوار شامل هزینه مسکن، بهداشت و درمان، آموزش، انرژی، بیمه و تأمین اجتماعی، نظام یارانه‌ها، معیشت